روزنامه شرق

اجتماعی

سرنوشت جامعه‌شناسی در ایران معاصر — صفحه ۸

قبایی تنگ بر تن علم — صفحه ۸

قاضی‌مرادی و کتاب‌های جدیدش — صفحه ۱۰

آیت‌الله مهدوی کنی، پدر معنوی دانشگاه امام صادق(ع)، در کنار کارکنان و دانشجویان دانشگاه/عکس: فارس

سه دهه از عملی‌شدن رویای روحانیت مبارز و بازار در زندان برای تاسیس دانشگاه اسلامی گذشته است

دانشگاه امام صادق (ع) تربیت‌کننده مدیران «میانی»

سعید ارکان‌زاده‌یزدی

جوان ۱۸ساله‌ای بود در سال ۸۰. یکی از دانشجویان دو سال بالاتر که معتمد دانشگاه امام‌صادق محسوب می‌شد، برای مصاحبه و گزینش به اتاقش در منزلشان آمده بود. مصاحبه‌کننده در اتاق داوطلب نشست و نیم‌ساعتی درباره همه‌چیز با او صحبت کرد، با همان آرام حرف‌زدن آدم‌هایی که ظاهرشان مذهبی است؛ اینکه چرا به دانشگاه امام‌صادق می‌خواهد برود و از دانشگاه چه شنیده، اینکه چه کتابی می‌خواند و چه موسیقی‌ای گوش می‌دهد. حالا که ۱۲سال از آن روزها گذشته، می‌گوید: «من به دانشگاه تهران نرفتم و دانشگاه امام‌صادق(ع) را انتخاب کردم. شاید به دلیل تعریف‌هایی که از دانشگاه کردند و اینکه مدرک فوق‌لیسانس پیوسته می‌گرفتم.» اما هفت‌سال بعد، دانشگاه را نیمه‌کاره رها کرد و گرفتن مدرک کارشناسی به بهای گذراندن ۲۱۰ واحد برایش تمام شد.

دانشگاه امام‌صادق(ع) دانشگاهی است که با ایده کلی «وحدت حوزه و دانشگاه» تاسیس شده و برنامه‌ریزان دوره‌های تحصیلی آن، تلاش کرده‌اند که در کنار دروس دانشگاهی، بخشی از دروس حوزوی را هم در آن بگنجانند؛ زبان عربی، بسیاری از دروس فقهی، عقاید اسلامی - کل آثار شهید مرتضی مطهری در ۲۰ واحد - و البته چند واحد درس زبان انگلیسی، واحدهای اضافه‌ای هستند که این دانشجویان باید پشت سر بگذارند. در این دانشگاه مدارک کارشناسی‌ارشد پیوسته ارایه می‌شود. مجموع واحدهای دوره کارشناسی در دانشگاه‌های زیر نظر وزارت علوم ۱۴۰واحد و برای کارشناسی‌ارشد ۳۲ واحد است اما در دانشگاه امام‌صادق، دانشجویان برای گرفتن مدرک کارشناسی‌ارشد پیوسته ۲۵۰ واحد درس می‌گذرانند. کمترین واحدی که آنها معمولا در هر ترم می‌گیرند، ۲۰واحد و بیشترین آن ۲۷ واحد است. در دیگر دانشگاه‌ها، دانشجویان در شرایط خیلی استثنایی می‌توانند بیش از ۲۰ واحد بگیرند. البته این اجبار با دیگر دانشگاه‌ها هماهنگ نیست و برخی از دانشجویان دانشگاه می‌گویند که اگر فردی خیلی تلاش کند، می‌تواند با شکایت به وزارت علوم و نهادهای قضایی، حکم کافی بودن ۱۴۰واحد برای گرفتن کارشناسی را بگیرد و بدون گذراندن واحدهای اضافی، برایش مدرک صادر شود.

حدود ۷۵واحد اضافی برای گرفتن مدرک کارشناسی‌ارشد و تعداد واحدهای زیاد در یک ترم، وقت دانشجویان را بسیار می‌گیرد و خیلی از آنها اصلا فرصت نمی‌کنند که به کارهای دیگر برسند و با مسایلی غیر از درس آشنا شوند. یکی از دانشجویانی که برای گذراندن دوره دکترا، دانشگاه امام‌صادق(ع) را برخلاف کارشناسی و کارشناسی‌ارشد انتخاب نکرده، می‌گوید: «می‌خواستم کمی خارج از سیستم فقهی دانشگاه هم درس‌خواندن را تجربه کنم.» او در جملات معمولی‌اش هم بیش از اندازه کلمات پیچیده عربی به کار می‌برد که نشان از آموزش حوزوی در زندگی تحصیلی‌اش دارد.

یکی از نقاط متمایز دانشگاه امام‌صادق نسبت به دیگر دانشگاه‌ها، استفاده از شیوه «مباحثه» برای تعدادی از واحدهاست. مباحثه از روش‌های تدریس در حوزه‌های علمیه است و دانشجویان در واحدهای عقاید اسلامی، با آن آشنا می‌شوند. انجام مباحثه، اجباری و جزو تکالیف درسی است. هر گروه از دانشجویان به وسیله یک سرگروه از سال بالایی‌ها، گروه‌های بحث را تشکیل می‌دهند و این بحث‌ها در خوابگاه‌ها هم ادامه دارد. گاهی لازم است که دانشجویانی هم که ساکن تهران هستند، در خوابگاه بمانند تا در جلسات مباحثه شرکت کنند.

صافی‌هایی بیش از کنکور

در سال‌های دور، اغلب دانشجویان دانشگاه امام‌صادق خوابگاهی بودند. خوابگاه در داخل محوطه دانشگاه بود و هنوز هم هست و دانشجویانی که سرشان به درس مشغول است، حتی می‌توانند روزها از دانشگاه خارج نشوند. به گفته تعدادی از دانشجویان دانشگاه امام‌صادق(ع)، تا اوایل دهه ۸۰، دانشجویان خوابگاهی این دانشگاه بسیار بیشتر از دانشجویان تهرانی بودند اما از همان سال‌ها، تعداد دانشجویانی که در خوابگاه نمی‌ماندند، بیشتر شد. دانشجویان قدیمی دانشگاه می‌گویند که تا سال‌های میانی دهه ۷۰، حتی خروج از دانشگاه ممنوع بوده اما در سال‌های ابتدایی دهه ۸۰، چند سالی از برداشتن این ممنوعیت می‌گذشته و فضای دانشگاه بازتر شده بوده است.

داوطلبان خوابگاهی و غیرخوابگاهی دانشگاه امام‌صادق، برای ورود به دانشگاه باید در کنکور سراسری شرکت کنند. اما این کنکور، تنها تعیین‌کننده نیست؛ آنها باید از دو جلسه مصاحبه هم سربلند بیرون بیایند؛ یک مصاحبه با هسته اصلی گزینش داخل دانشگاه انجام می‌شود و مصاحبه دوم، با اطلاع قبلی، در منزل دانشجو صورت می‌گیرد. این صافی‌ها به‌همراه تحقیق از معرفان دانشجو و تحقیقات محلی، باعث می‌شود که فضای یکدست مذهبی دانشگاه امام‌صادق حفظ شود و هر دانشجویی با هر گرایشی وارد دانشگاه نشود. با این حال، بررسی فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام‌صادق، نشان می‌دهد که طی ۳۱ سال فعالیت این دانشگاه، دانشجویانی با گرایش کاملا مخالف این دانشگاه نیز در آن درس می‌خوانده‌اند؛ عبدالله رمضان‌زاده، استاندار کردستان در دهه ۶۰ و سخنگوی دولت اصلاحات، یکی از دانشجویان دوره اول دانشگاه امام‌صادق است. او در مهرماه سال ۸۷، برای مجله چلچراغ نوشت: «حداقل در چهار، پنج دوره اول (به‌خصوص سه دوره اول) دانشگاه امام‌صادق، فضای تضارب آرا و اندیشه در این دانشگاه فضای غالب بود[...] باید وجه برتری دانشگاه امام‌صادق را به‌نسبت سایر دانشگاه‌ها، نظم و انضباط ویژه این دانشگاه بدانم. بسیاری از سختگیری‌هایی که در دانشگاه امام‌صادق اعمال می‌شود، در دانشگاه‌های دیگر نیست؛ که اگر بود، دانشگاه‌های ما هم وضع بهتری پیدا می‌کردند؛ برنامه‌ریزی درسی بسیار منسجم و دقیق، استادان خوب، نظم در برگزاری کلاس‌های درس و سختگیری در حضور و غیاب و نظم در برگزاری امتحانات. دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام‌صادق (ع) خوب می‌دانند که در برنامه‌های درسی و علمی این دانشگاه، به هیچ‌وجه جایی برای مسامحه وجود ندارد.»

دانشگاه امام‌صادق اولین دانشجویان خود را پس از انقلاب فرهنگی در سال ۶۱ پذیرفت. این دانشگاه تا سال ۷۲، با کنکور ویژه خود دانشجو می‌گرفت اما از آن سال، امتحان ورودی‌اش همان کنکور سراسری شد و البته مصاحبه‌های پس از کنکور. از همان ابتدای کار، هدف اصلی دانشگاه، تربیت مدیر برای آینده جمهوری‌اسلامی بود. این ایده به‌همراه ایده وحدت حوزه و دانشگاه، ثمره تفکر در سال‌های زندان پیش از انقلاب بود. پدر معنوی و رییس دانشگاه امام‌صادق، آیت‌الله محمدرضا مهدوی‌کنی، رییس جامعه روحانیت مبارز و رییس مجلس خبرگان رهبری، است. آیت‌الله مهدوی‌کنی در سال‌های زندان پیش از انقلاب، با روحانیان مبارزی چون آیت‌الله منتظری و آیت‌الله مشکینی، ایده راه‌اندازی یک دانشگاه اسلامی را در سر داشتند که پس از انقلاب فرهنگی، توانستند آن را در قالب دانشگاه امام‌صادق عملی کنند. رییس دانشگاه آیت‌الله مهدوی‌کنی بود و رییس هیات امنا، آیت‌الله منتظری که به نوشته سایت رسمی دانشگاه، پس از برکناری از قائم‌مقامی رهبری، از این منصب هم کنار نهاده شد.

پشتیبان‌های مالی

در ابتدای انقلاب، بازاریان برای افتتاح یک دانشگاه اسلامی تلاش بسیاری کردند. علاءالدین میرمحمد صادقی، از فعالان بازار و مدیران اتاق بازرگانی ایران پس از انقلاب، در کتاب خاطرات خود، «پنجره‌ای به گذشته»، می‌گوید که تعدادی از بازاریان با همکاری برخی از علمای قم «جامعه‌الصادق» و سپس دانشگاه امام‌صادق را تاسیس کردند و تلاش‌ها برای کمک مالی به این دانشگاه شروع شد. به گفته میرمحمد صادقی، اولین جلسه برای کمک به دانشگاه امام‌صادق در اتاق بازرگانی ایران تشکیل شد. او گفته است: «آقایان سعید امانی، علی حاج‌طرخانی، یوسف زمردیان، رضا اصفهانی‌ها، عزیزالله علاءالدینی، حسن تهرانی، خلیل طباطبایی، حاج‌حسین کاشانی‌فرید، علینقی‌خاموشی، محمود لولاچیان، احمد کاشانی، برادران خانیان و من، به‌عنوان گروه اقتصادی موسسه جامعه‌الصادق انتخاب شدیم.» به گفته میرمحمد صادقی، این گروه با پیشنهاد علینقی‌خاموشی تلاش می‌کند که یک کارخانه نساجی برای تامین مالی دانشگاه امام‌صادق تاسیس کند: «هدف تاسیس این کارخانه، انجام فعالیت اقتصادی در بخش تولید برای تامین هزینه‌های دانشگاه امام‌صادق بود و همچنان هم در همین راه گام برمی‌دارد.» به این ترتیب، «شرکت کارخانجات ریسندگی، بافندگی و پوشاک جامعه» در سال ۶۴ تاسیس شد که به گزارش سایت رسمی این شرکت، «ظرفیت تولید واحد پارچه آن، ۱۲هزارمتر در هر روز و ظرفیت تولید واحد پوشاکش روزی ۷۰۰ ثوب کت و هزارو۴۰۰ثوب شلوار است و هزاروصدنفر در آن مشغول به‌کارند.»

علاءالدین میرمحمد صادقی که اکنون هم عضو هیات‌رییسه اتاق بازرگانی ایران است، در خاطرات خود می‌گوید: «آقای خانیان از چهره‌های بسیار نیکوکار بازار بودند. ایشان حتی زمینی در حوالی میدان ولیعصر تهران داشتند که با آقایان مهدیان و محمدعلی نوید در آن شریک بودند. این زمین را دوستان به‌صورت رایگان به دانشگاه امام‌صادق واگذار کردند که در حال حاضر، یک مجتمع تجاری عظیم در آن راه‌اندازی شده است.» مجتمع اداری- تجاری «نور تهران» که در تقاطع خیابان‌های ولیعصر و آیت‌الله طالقانی قرار گرفته است.

موسسان دانشگاه امام‌صادق در ابتدای کار، تلاش کردند که با ایجاد بنگاه‌های اقتصادی، نه‌تنها از دانشجویان شهریه نگیرند که حتی به دانشجویان شهریه نیز بپردازند؛ این پرداخت شهریه، مانند حوزه‌های علمیه، تا حدی نیز به‌صورت ودیعه به دانشجویان عملی شد. به‌علاوه، دانشگاه هنگام ثبت‌نام از دانشجویان یک تعهد محضری می‌گیرد که پس از فراغت از تحصیل باید به کشور خدمت کنند و در معدود مواردی، این تعهد منجر به بازپس گرفتن هزینه تحصیل می‌شود. یکی از دانشجویان فارغ‌التحصیل این دانشگاه می‌گوید: «من در مقطع بالاتر قبول شده بودم و برای گرفتن مدرک تحصیلی به دانشگاه رفتم اما گفتند که باید برای هر ترم تحصیل ۳۰۰هزارتومان بپردازم؛ یعنی ۱۴ تا ۳۰۰هزارتومان.»

دانشگاه امام‌صادق وقتی شروع به کار کرد که فقط ساختمان‌های متعلق به «مرکز مطالعات مدیریت ایران» وابسته به دانشگاه هاروارد را در اختیار داشت. این مرکز از درآمدهای شرکت نفت در سال ۵۱ تاسیس شده بود و با وجود رفتن استادان آمریکایی آن پس از انقلاب، تا یک سال به‌وسیله استادان ایرانی اداره می‌شد اما عاقبت تعطیل شد. شهید محمدجواد تندگویان، وزیر نفت کابینه شهید رجایی، یکی از فارغ‌التحصیلان مرکز مطالعات مدیریت هاروارد بود. مالکان ساختمان‌های این مرکز پس از انقلاب هم، با سختگیری و وسواس در تدریس به دانشجویان، وظیفه تربیت مدیران را برعهده گرفتند اما مدیرانی که با نظام تازه‌مستقرشده، هماهنگ باشند.

> **دانشگاه امام‌صادق اولین دانشجویان خود را پس از انقلاب فرهنگی در سال ۶۱ پذیرفت. این دانشگاه تا سال ۷۲، با کنکور ویژه خود دانشجو می‌گرفت اما از آن سال، امتحان ورودی‌اش همان کنکور سراسری شد و البته مصاحبه‌های پس از کنکور سراسری شد. از همان ابتدای کار، هدف اصلی دانشگاه تربیت مدیر برای آینده جمهوری‌اسلامی بود**

خروجی‌هایی در رده میانی مدیریت

در دانشگاه امام‌صادق، آموزش دو زبان عربی و انگلیسی (یا فرانسه برای دانشجویان معارف اسلامی و حقوق) اجباری است اما واحدهای این دروس، بسیار گسترده‌تر از واحدهای معمول زبان عمومی و زبان تخصصی در دیگر دانشگاه‌هاست. دانشجویان باید ۱۵واحد قواعد عربی و پنج‌تا هشت‌واحد مکالمه عربی بگذرانند. ۱۸واحد درس انگلیسی نیز اجباری است. شعبه دانشگاه هاروارد در پیش از انقلاب کمتر از صد دانشجو داشت و در اوایل نیز، دانشگاه امام‌صادق دانشجوی خیلی کمی می‌پذیرفت؛ بنابراین فقط به تدریس زبان و درس‌های حوزوی و معارف اسلامی مشغول شد. اما به‌تدریج، رشته‌های «معارف اسلامی و تبلیغ»، «معارف اسلامی و علوم سیاسی»، «معارف اسلامی و اقتصاد»، «معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات»، «معارف اسلامی و مدیریت» و «معارف اسلامی و حقوق» تاسیس شدند. تعداد دانشکده‌ها افزایش یافت و نام هر دانشکده، پیشوند «معارف اسلامی» را در بر داشت. در همین سال‌ها بود که واحد خواهران دانشگاه امام‌صادق به مدیریت خانم مهدوی‌کنی و دوره‌های دکترای برخی از رشته‌ها ایجاد شد.

در طول ۳۱ سال فعالیت دانشگاه امام‌صادق، استادان بسیاری در آن تدریس می‌کرده‌اند که شاید زاویه‌ای با گرایش‌های رسمی دانشگاه نیز داشته‌اند اما معمولا سیاست دانشگاه این بوده که برای مدیران آینده نظام جمهوری‌اسلامی، باید سلایق مختلف در دانشگاه حضور داشته باشند؛ کسانی مانند حسین بشیریه یا عبدالکریم سروش، سابقه تدریس در دانشگاه امام‌صادق داشته‌اند اما با این حال، در سال‌های اخیر، استادان دانشگاه نیز مانند دانشجویان آن یکدست شده‌اند.

همان‌طور که بسیاری از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف وقتی که وارد دانشگاه می‌شوند و بعدتر که در صحن دانشگاه و راهروهای دانشکده‌ها راه می‌روند، رویای رفتن به دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های علمی غربی را در سر دارند، خیلی از دانشجویان امام‌صادق هم وقتی پا به دانشگاه می‌گذرانند، در خیال، نشستن پشت میزهای مدیریتی را می‌پرورانند. در این سه دهه، بسیاری از دانشجویان امام‌صادق به وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی راه یافته‌اند و بدنه «محکمی» از کارشناسان دولتی را تشکیل داده‌اند.

وزارت خارجه مقصد بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام‌صادق در سال‌های پیش از دوم خرداد بوده است. سعید جلیلی، می‌تواند مشهورترین نمونه آن باشد؛ او پس از فارغ‌التحصیلی در سال ۶۸ به وزارت امور خارجه رفت و پس از دو سال، ریاست اداره بازرسی وزارت خارجه را بر عهده گرفت و در دولت اصلاحات معاون اداره آمریکای وزارت خارجه و در دولت احمدی‌نژاد هم معاون اروپا و آمریکای این وزارتخانه شد. معاون جلیلی در شورایعالی امنیت ملی، علی باقری‌کنی است که او نیز فارغ‌التحصیل دانشگاه امام‌صادق و برادرزاده آیت‌الله مهدوی‌کنی است. وحید، برادر جلیلی، هم در دانشگاه امام‌صادق درس خوانده و سردبیری روزنامه ابرار و ماهنامه سوره را در کارنامه خود دارد. غضنفر رکن‌آبادی، رییس اداره خاورمیانه وزارت خارجه و سفیر ایران در لبنان نیز دانش‌آموخته دانشگاه امام‌صادق بوده است. صمدعلی لکی‌زاده، معاون اداره خلع سلاح شیمیایی وزارت خارجه و بعدتر، سفیر ایران در لهستان هم در امام‌صادق درس خوانده است. تعدادی از رایزن‌های فرهنگی ایران نیز فارغ‌التحصیل امام‌صادق بوده‌اند؛ از جمله حجت‌الله ایوبی و سیدمحمد طباطبایی رایزن فرهنگی در پاریس، ابوالحسن خلج‌منفرد رایزن در ترکیه و علیرضا اسماعیلی رایزن در ایتالیا. محمدرضا مجیدی، نماینده ایران در یونسکو، نیز فارغ‌التحصیل دانشگاه امام‌صادق است.

در سال‌های پس از دوم خرداد، دولت کمتر از گذشته از دانش‌آموختگان امام‌صادق استفاده می‌کرد و صداوسیما بسیاری از فارغ‌التحصیلان این دانشگاه را استخدام کرد و هنوز هم می‌توان بسیاری از «امام‌صادقی‌ها را در این سازمان دید. سیدحسن حسینی، رییس سابق دانشکده صداوسیما، جهانگیر بیابانی، رییس سابق شبکه آموزش سیما، علی جعفری، رییس دفتر دین و رسانه صداوسیما و نیز برخی از مجریان این سازمان مثل علی درستکار و وحید یامین‌پور از فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام‌صادق هستند.

وقتی که محمود احمدی‌نژاد به ریاست‌جمهوری رسید، دولت برای پذیرفتن نیرو از دانش‌آموختگان امام‌صادق آغوش خود را باز کرد. وقتی که مسوولان استخدام از فردی می‌پرسیدند کجا درس خوانده و او می‌گفت «امام‌صادق»، انگار که درها به سوی آن فرد باز می‌شد و دیگر کمتر شکی برای استخدام باقی می‌ماند. در هشت‌سال اخیر، به خصوص در سه وزارتخانه اقتصاد، علوم و ارشاد، مدیران بسیاری فارغ‌التحصیل دانشگاه امام‌صادق بودند. در وزارت علوم می‌توان به محمدباقر خرمشاد، معاون فرهنگی وزیر، غلامرضاخواجه‌سروی، معاون فرهنگی بعدی وزارتخانه، محسن اسلامی، مدیرکل فرهنگی وزارتخانه و علی‌اکبر علیخانی، رییس پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، اشاره کرد که دانش‌آموخته دانشگاه امام‌صادق‌اند. در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم می‌توان از محمدحسین خوشوقت، معاون مطبوعات خارجی البته در دولت اصلاحات، محمدمهدی انصاری، رییس مرکز مطالعات و توسعه رسانه‌ها، محمدهادی همایون، رییس پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، محمد اللهیاری، مدیرکل کتاب وزارت ارشاد و یاسر مرادی، مدیرکل اخبار داخلی ایرنا، یاد کرد که در دانشگاه امام‌صادق درس خوانده‌اند. در وزارت اقتصاد هم می‌توان ردی از مدیران «امام‌صادقی» را یافت؛ محمدهادی زاهدی‌وفا و اصغر ابوالحسنی‌هیستانی، معاونان وزیر اقتصاد، محمدرضا دهشیری، رییس سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران و علی صالح‌آبادی، رییس سازمان بورس اوراق بهادار.

گذشته از این افراد، نام‌های آشنایی چون محسن اسماعیلی، عضو حقوقدان شورای نگهبان، کاظم جلالی، رییس مرکز پژوهش‌های مجلس، مصطفی کواکبیان، نماینده سابق مجلس، حسام‌الدین آشنا، استاد ارتباطات و مشاور رسانه‌ای حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری، فریدالدین حدادعادل، روح‌الله احمدزاده‌کرمانی، جوان‌ترین استاندار دولت احمدی‌نژاد و مازیار بیژنی، کاریکاتوریست روزنامه کیهان، از دانش‌آموختگان دانشگاه امام‌صادق هستند. آیت‌الله احمد علم‌الهدی، امام جمعه مشهد، روزگاری معاون آموزشی این دانشگاه بوده و غلامرضا مصباحی مقدم، رییس کمیسیون اقتصادی مجلس، معاون پژوهشی آن.

دانشگاه امام‌صادق برای تربیت مدیران جمهوری اسلامی ساخته شده بود اما برخلاف دانشگاه تربیت‌مدرس که آن هم در سال‌های پس از انقلاب تاسیس شد، عملا مدیران عالی تربیت نکرد و فارغ‌التحصیلان نهایتا به بدنه کارشناسی و رده‌های میانی مدیریت پیوستند. تنها مدیر عالی دانش‌آموخته این دانشگاه که تا کنون به وزارت رسیده، سیدمحمد حسینی بوده است. او مدیر انتشارات سروش و معاون سازمان صداوسیما در دوره ریاست علی لاریجانی و در مجلس پنجم نماینده رفسنجان بود. حسینی مهم‌ترین نطقش را در جلسه استیضاح عطاءالله مهاجرانی، وزیر ارشاد وقت دولت اصلاحات، در نقش موافق استیضاح ایراد کرد. او در دولت احمدی‌نژاد ابتدا رییس دانشگاه پیام‌نور و سپس قائم‌مقام وزیر علوم و بعدتر، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی شد. ۱۰سال پیش از اینکه حسینی در مجلس برای گرفتن رای اعتماد خودش سخنرانی کند، در جلسه استیضاح مهاجرانی سخنانش را چنین تمام کرده بود: «جناب وزیر! ما وسیلت‌ساز و سیاست‌باز نیستیم که در هر دوره و دولتی، وجاهت خاص آن مقطع را کسب کنیم، الحق که بعضی کارشان با فیلم و سینما سنخیت بسیار دارد؛ با چرخشی متناسب و نقشی جدید از ابتدای انقلاب تاکنون در همه دولت‌ها حضور داشته‌اند. آفرین بر این موقعیت‌شناسی و اغتنام فرصت.» شاید حسینی از جهتی راست می‌گفت؛ فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام‌صادق، طوری تربیت می‌شوند که فقط با فضاها و موضوع‌ها و نیروها و سیاست‌های خاصی می‌توانند کار کنند و آنقدر انعطاف نشان نمی‌دهند که در دولت‌ها بتوانند باقی بمانند و در ساختار آن رشد کنند و به وزارت برسند؛ دست‌کم، تاریخ ۳۱ ساله این دانشگاه - با یک استثنا- چنین نشان داده است.

یادداشت

مدیریت‌پسماند در روستاهای کشور

علی نوذرپور

دهیاری به‌عنوان نهاد عمومی غیردولتی و متولی اداره امور روستا، وظیفه دارد در راستای تحقق توسعه پایدار و حفظ محیط‌زیست روستایی، فعالیت‌هایی را انجام دهد. بر اساس ماده ۷ قانون مدیریت پسماندها، مدیریت اجرایی تمامی پسماندها غیر از صنعتی و ویژه در روستاها به‌عهده دهیاری‌هاست. همچنین ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی این قانون اشعار می‌دارد که مدیریت‌های اجرایی پسماندهای عادی روستایی (دهیاری‌ها) باید طرح جامع و تفصیلی مدیریت پسماند را به‌گونه‌ای تهیه کند که در روستاها تا پایان سال ۱۳۹۲، همه پسماندهای عادی را به صورت تفکیک‌شده جمع‌آوری کنند. فرض بر این است که هیات دولت که مرجع تصویب آیین‌نامه اجرایی مذکور است به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دهیاری‌ها و امکانات و موانع و محدودیت‌های کشور واقف بوده و بنابراین انتظار است که چنین امری محقق شود مگر اینکه خلاف آن فرض شود که فرض صحیحی نیست. پس ما در پایان سال ۱۳۹۲، روستاهایی خواهیم داشت که نه‌تنها پسماندهای آن جمع‌آوری می‌شود بلکه به‌صورت تفکیک‌شده، جمع‌آوری شده و به محل‌های مناسب جهت دفن بهداشتی یا بازیافت برده می‌شود.

مروری بر برنامه‌های وزارت کشور - سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها- موید این امر است که برای تفکیک از مبدا پسماندها و استقرار ظروف و مخازن ذخیره‌سازی موقت، برنامه‌ریزی انجام شده است و در بیش از هزارو۷۰۰ روستا سایت‌های دفن بهداشتی در سطح مجموعه‌های روستایی ایجاد شده است و واحدهای بیوکمپوست خانگی برای بازیافت زباله‌های فسادپذیر و تبدیل آنها به کود آلی جهت بهبود بافت خاک‌های کشاورزی و افزایش درصد مواد آلی درون خاک‌ها، در برخی از روستاها برنامه‌ریزی شده و مناسب با آن اقداماتی انجام شده است. مهم‌تر اینکه پروژه مطالعاتی عظیمی تحت‌عنوان «طراحی سیستم مدیریت پسماندهای روستایی» در ۱۰منطقه کشور (مطابق با طرح کالبدی ملی کشور) در دولت اصلاحات توسط ۱۰ مشاور دانشگاهی و خصوصی انجام گرفت که نتایج آن باید در برنامه‌ریزی پسماندهای روستایی مورد بهره‌برداری قرار گیرد. یکی از نتایج این تحقیق بزرگ، اعلام سرانه تقریبی ۰/۵کیلوگرم پسماند در روز به ازای هر نفر از آحاد جمعیت روستایی کشور است. به این ترتیب روزانه معادل ۱۱تن در روز پسماند تولید می‌شود که جمع‌آوری، حمل، پردازش و دفن بهداشتی آن باید در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران اجرایی ذی‌ربط قرار گیرد. در این میان نقش وزارت کشور، استانداری‌ها و شهرداری‌ها در قوه‌مجریه و شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در حوزه عمومی غیردولتی بسیار مهم و پررنگ است. اما برگردیم به ابتدای این یادداشت که آیا تا پایان سال آتی ما شاهد روستایی خواهیم بود که پسماندهای آن به‌صورت تفکیک‌شده جمع‌آوری، حمل و دفن می‌شود؟ آیا شاهد جلو افتادن مدیریت روستایی از مدیریت شهری خواهیم بود؟ مدیریتی که بیش از یکصدسال از عمر آن می‌گذرد، در مقابل مدیریتی که کمتر از یک‌دهه عمر دارد، عقب می‌افتد؟ آیا این شدنی است؟

به هر حال دولت چنین هدفی را برای خود در آیین‌نامه اجرایی قانون پسماند لحاظ کرده است و انتظار هست که این هدف را محقق سازد.

نگاه

نگاهی به لایحه کاهش ساعت کار زنان شاغل

کاهش کار زنان یا کاهش زنان کار؟!

محمد حب وطن

اواخر خرداد سال‌جاری «لایحه کاهش ساعت کار زنان شاغل» که بنا به پیشنهاد مرکز امور زنان و خانواده به تصویب هیات وزیران رسیده است، از سوی رییس‌جمهور تقدیم مجلس شد. بر اساس ماده واحده این لایحه، ساعات کار هفتگی زنان شاغل مشمول این لایحه در دستگاه‌های اجرایی ماده ۲۲۲ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۹ - و بخش غیردولتی (مشمولین قانون کار و تامین اجتماعی) با تایید مراجع ذی‌ربط ۳۶ ساعت در هفته با دریافت حقوق و مزایای ۴۴ ساعت تعیین می‌شود. در این نوشته ابتدا مقدمه‌ای کوتاه درباره موضوع اشتغال زنان از دید اجتماعی ارایه می‌شود و سپس نکاتی چند درباره این لایحه مورد بحث و چالش قرار خواهد گرفت. مطالعاتی که درباره عوامل و انگیزه‌های اشتغال زنان در جوامع مختلف صنعتی صورت گرفته است حکایت از تنوع این عوامل و مخصوصا پیدایش عوامل روانی و خواستی در برابر نیازهای مادی دارد. دستیابی زنان به منابع اقتصادی ناشی از کار در خارج از خانه و تسخیر فضاهای تازه اجتماعی توسط آنان ساخت چندساله خانواده را دگرگون ساخته است و ضرورتا پیدایش تعادلی نو را در خانه ایجاب می‌کند. بحث دیگر در کاهش اثرات منفی اشتغال زنان بر خانواده، لزوم ایجاد و تقویت نهادهای مکمل و جایگزین (نظیر مهدکودک، شیرخوارگاه و...) از سوی دولت و بخش خصوصی در سطح جامعه است. کمک‌ها و حمایت‌های سیاستی دولت از بنیان خانواده باید در این مسیر نیز تقویت شود. با توجه به مقدمه‌ای که ارایه شد، به نظر می‌رسد در نظر گرفتن نکات و سوالات زیر می‌تواند در بررسی جامع‌تر و موشکافانه‌تر این لایحه مفید باشد:

۱ معمولا روش برخورد با مسایل و معضلات اجتماعی به این شکل است که ابتدا یک مساله و معضل اجتماعی با ارایه آمار و شواهد واقعی (فاکت) درباره آن مطرح می‌شود و با انجام پژوهش‌های مربوط، ابعاد و زمینه‌ها و علل بروز مساله شناسایی و تبیین می‌شود. سپس راهکارهای علمی و کارشناسی مناسب برای حل مساله ارایه می‌شود. بدیهی است اگر چنین فرآیندی در مسیر شکل‌گیری این لایحه طی نشده باشد، شایبه وجود انگیزه سیاسی یا - در خوشبینانه‌ترین حالت - انگیزه عاطفی در هدف این لایحه در اذهان کنجکاو جامعه به وجود خواهد آمد. سوالی که به لحاظ روش‌شناختی می‌تواند در مورد این لایحه مطرح شود این است که آیا چنین فرآیندی و چنین کار کارشناسی در راستای شناخت مساله و سپس پیشنهاد این لایحه طی شده است؟

۲ یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌ها و انتقادها نسبت به این لایحه، خروج تدریجی زنان از نیروی کار و حوزه اشتغال است که به نوبه خود، تبعاتی را در پی خواهد داشت. این تبعات در واقع از بین رفتن همه آثار مثبت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ناشی از اشتغال و حضور زنان در جامعه و بازار کار است. کاهش حضور زنان در اجتماع و حوزه اشتغال علاوه بر تاثیر سوء بر اقتصاد خانواده، می‌تواند اثرات سوء فرهنگی نظیر احساس بطالت و سرخوردگی در زنان را نیز به دنبال داشته باشد. لایحه مذکور علاوه بر ترویج روحیه کم‌کاری و دورشدن از الگوهای بهره‌وری در دستگاه‌ها و ادارات دولتی، ممکن است منجر به تقویت این باور شود که زنان نمی‌توانند توانمندی در کار داشته باشند. فراموش نکنیم که در اغلب کشورهای توسعه‌یافته درصد اشتغال زنان بالاست و گاهی تا ۷۰درصد جمعیت زنان می‌رسد. یکی دیگر از تبعات و کارکردهای پنهان این لایحه، کنار گذاشته‌شدن تدریجی زنان از پست‌های کلیدی و مدیریتی است و دلیل آن هم خیلی ساده است.

۳ به نظر می‌رسد لایحه پیشنهادی در بنگاه‌ها و شرکت‌های خصوصی قابل اجرا نخواهد بود زیرا بخش خصوصی بنا به خصلت منفعت‌گرایانه خود همواره به‌دنبال بالابردن نسبت فایده به هزینه است و هیچ شرکتی حاضر نمی‌شود ساعت کار زنان شاغل در آن را کاهش دهد بدون اینکه از حقوق آنها کسر کند.

۴ با ایجاد تغییرات در ساختار سنتی اقتصادی -اجتماعی جامعه، بخشی از وظایف و کارهای رایج و سنتی زنان در خانه حذف شده است و به نظر می‌رسد امروزه زنان عملا کار زمین‌مانده‌ای در خانه که با کاهش ساعت کاری خود (و افزایش میزان حضور خود در خانه) آنها را انجام دهند، ندارند و اگر همچنین کارهای زمین‌مانده‌ای وجود داشته باشد، لزوما کاری نیست که فقط از عهده زنان برآید بلکه مردان هم می‌توانند انجام دهند.

۵ توجیه اصلی پیشنهاد این لایحه که تحت عنوان تحکیم بنیان خانواده مطرح می‌شود، از منظر اقتصادی نیز مورد تردید است زیرا اگر حذف تدریجی زنان شاغل یا کاهش حقوق آنان پس از اجرای این لایحه به‌ویژه در بخش خصوصی اتفاق بیفتد، نتیجه آن کاهش درآمد خانواده‌ها خواهد بود که اتفاقا با توجه به وضعیت فعلی معیشت خانواده‌ها، موجب تزلزل بنیان خانواده می‌شود نه تحکیم آن. فراموش نکنیم که بخش عمده‌ای از اختلافات و مسایل خانوادگی که بنیان خانواده را تهدید می‌کند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ریشه در مشکلات اقتصادی دارد.

۶ اگر قرار باشد ساعت کاری زنان کاهش یابد و کماکان همان حقوق قبلی و مصوب قانون کار را دریافت کنند قطعا بار مالی ناشی از آن بر دوش منابع عمومی دولت خواهد بود. آیا نحوه پیش‌بینی این هزینه در لایحه دیده شده است؟ هرچند لایحه مورد بحث هنوز وارد مرحله جدی رسیدگی در مجلس شورای اسلامی نشده و زوایای مختلف آن روشن و شفاف نیست و بنابراین قضاوت صریح درباره آن هنوز زود است، با این حال آنچه مسلم است این است که همه نکاتی که در مقام موافقت یا مخالفت با آن در اذهان عمومی و به ویژه صاحبنظران اجتماعی-فرهنگی مطرح است، باید مورد بحث و بررسی کارشناس